چهار نزاع تاریخی در مسأله رؤیت هلال و تطبیق روایت اسحاق بن عمار بر آن‌ها

«سألته عن هلال رمضان، يغم علينا في تسع و عشرين من شعبان؟ فقال:«لا تصم إلا أن تراه»؛ ما که ذیل این صحیحه رسیدیم عرض کردم در طول تاریخ رؤیت هلال چهار بحث جنجالی مطرح بود. اول روایات عدد بود. دوم که در زمان صاحب ذخیره در قرن یازدهم مطرح شد اعتبار رؤیت قبل از زوال بود که سید هم همین را می‌گویند. سوم مسأله لزوم اشتراک افق یا عدم لزوم آن بود که حدود شصت سال پیش خیلی جلا پیدا کرد ولو قبل از آن هم بود. مرحوم فیض این را مطرح کرده بودند.

13:51

شاگرد: قبل از او هم خیلی ها مطرح کرده بودند. بحث بلاد متقارب با اشتراک افق یکی است؟

استاد: تلقی یکی شده است.

شاگرد: پس خیلی مطرح شده بود.

استاد: نه، بلاد متقاربه که مشهور است. من خلاف مشهور را می‌گویم. خلاف مشهور که بگویند بلاد متقاربه با بعیده فرقی ندارند، از فیض شروع شده است. این را عرض می‌کنم. آن طرف را که درست می‌گویید.

شاگرد۲: بلاد بعیده که در غرب باشند هم مطرح بوده.

استاد: این را که مشهور هم قبول دارند. اتفاقا مشهور می‌گویند وقتی در بلد شرقی دیده شد برای همه غربی‌ها کافی است. چون طبق قاعده خودش است. حاج آقای سیستانی هم قائل بودند. در رساله اسئلة نگاه کنید. می‌گویند فتوای ایشان این بود که کافی است اما «راجع اخیراً»؛ تغییر فتوا داده‌اند و گفته‌اند اگر عرض متفاوت باشند کافی نیست.

شاگرد: یعنی رؤیت در شرق برای بلاد غربی کافی است؟

استاد: اگر عرضشان متفاوت باشد. در فتوای اخیرشان تقارب در عرض را شرط می‌دانند.

من در آن جا عرض کردم که چهارمی هم تلسکوپ بود. جالبی روایت اسحاق بن عمار این است که به قدری در کتب تکرار شده که برای هر چهار بحث خوب است. برای عدد خوب است چون حضرت محکم

گفتند: «لاتصم الا ان تراه»؛ یعنی شعبان می‌تواند سی باشد. روایت عدد کنار می‌رود. آن را ببینید؛ «فان شهد اهل بلد آخر فاقضه»؛ به رؤیت و مباحث تلسکوپ مربوط بود. «فاقضه»؛ اطلاقش مربوط به اشتراک افق بود. «و إذا رأيته وسط النهار فأتم صومه إلى الليل»؛ این هم مسأله رؤیت قبل از زوال بود. پس در این صحیحه چهار بحث تاریخی رؤیت هلال مطرح است و از آن استفاده شده است. انشاءالله این را می‌خوانیم.

بناء ما این است که هر چه را فرمایش فرمودید برگردیم و بحث تام شود. ما خوشحال از این هستیم که شما فرمایشی را بگویید و ما به‌دنبال آن برویم و روی آن فکر کنیم تا بحث روشن‌تر شود. هر چه که لازم است در آن گفته شود گفته شود.

اشکالی را که دیروز آقا فرمودند؛ حاصلش این شد: اگر فرض بگیریم که چنین مطلبی بالدّقّه روشن شود و همه بشر آن را بپذیرند که در رؤیت هلال، مواردی داریم که با چشم عادی، بدون تلسکوپ نمی‌بینیم، اما اگر آن را با تلسکوپ پیدا کردیم بعد از اینکه جای آن را دقیق فهمیدیم با چشم‌های متعارف تیزبین می‌بینند. اگر چنین چیزی شد فضای بحث رؤیت هلال وارد فضای جدیدی می‌شود که کاملاً بین موضوع حکم با طرق آن، جدایی حاصل می‌شود.

بازبینی #1
ایجاد شده 10 مه 2026 10:18:50 توسط ... .
به روزرسانی شده 10 مه 2026 10:20:03 توسط ... .